

## مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی قلعه‌سنگ؛ شهر قدیم سیرجان<sup>۱</sup>

سعید امیرحاجلو<sup>۱</sup>، حسین صدیقیان<sup>II</sup>

شناسه‌ی دیجیتالی (DOI): 10.22084/nbsh.2020.18449.1896

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۴

(از ص ۱۵۵ تا ۱۸۰)

### چکیده

I. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
s.amirhajloo@modares.ac.ir

II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

سیرجان یکی از پنج ولایت کرمان در دوران اسلامی بود و برپایه‌ی بررسی‌های باستان‌شناسی و منابع تاریخی، چندین بار جابه‌جایی داشته است. این شهر، از سده‌های ششم تا نهم هجری قمری در محوطه‌ی قلعه‌سنگ گسترش یافت. در فصل اول کاوش و بررسی باستان‌شناسی نگارندگان در قلعه‌سنگ علاوه بر شناسایی آثار معماری و دیگر یافته‌ها، گونه‌های مختلفی از سفال دوران اسلامی به دست آمد که از نظر کمیت و تنوع، از ارزش‌های مطالعاتی بالایی برخوردارند. پرسش‌هایی که در این پژوهش قابل طرح است عبارتند از: تنوع تزئینی سفال‌های اسلامی قلعه‌سنگ چگونه است و این آثار به چه دوره‌هایی تعلق دارند؟ فراز و فرود صنعت سفال‌گری و ویژگی تولیدات محلی در قلعه‌سنگ چگونه است؟ روش گردآوری داده‌ها «اسنادی-میدانی» و روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. تحلیل‌ها با هدف گاهنگاری نسبی، تبیین برهم‌کنش‌های فرهنگی با نواحی دیگر، تبیین اوج و فرود حیات در قلعه‌سنگ براساس داده‌های سفالی و تطبیق با منابع مکتوب و تبیین تولیدات محلی در قلعه‌سنگ صورت گرفته است. برپایه‌ی نتایج، گونه‌هایی از سفال عیلام میانه تا دوره‌ی قاجار در محوطه‌ی قلعه‌سنگ توزیع شده، اما اغلب قطعات به سده‌های ششم تا نهم هجری قمری تعلق دارند. این نمونه‌ها با جیرفت، غبیرا، کاشان، ری، فراهان، جرجان، نیشابور، بلقیس اسفراین، محوطه‌های شمال خلیج فارس، المتاف، کوش و الهولیله در رأس‌الخیمه‌ی امارات قابل مقایسه هستند؛ برخی قطعات نیز احتمالاً از آذربایجان و افغانستان و نمونه‌های سلادن و برخی قطعات آبی و سفید احتمالاً از چین وارد شده‌اند و اغلب به دوره‌ی یوان و شمار اندکی به دوره‌ی مینگ تعلق دارند. به‌طور کلی، مطالعه‌ی سفال قلعه‌سنگ نشان‌دهنده‌ی توسعه‌ی تجارت با مراکز شهری حاشیه‌ی خلیج فارس است؛ چنان‌که ارتباط تجاری خلیج فارس-سیرجان بخشی از شبکه‌ی اقتصادی جنوب تا فلات مرکزی ایران بود و در توسعه‌ی شهرهای جنوبی تأثیر داشت.

**کلیدواژگان:** شهر قدیم سیرجان، قلعه‌سنگ، گونه‌شناسی سفال، دوران اسلامی، باستان‌شناسی.

## مقدمه

شهر قدیم سیرجان یکی از پنج ولایت کرمان بود و در دو مقطع «صدر اسلام تا سده‌ی چهارم هجری قمری» و «سده‌ی ششم تا دوره‌های متأخر اسلامی» بخش مهمی از شبکه‌ی اقتصادی جنوب ایران محسوب می‌شد. سیرجان تا سده‌ی ۴ هجری قمری مرکز ایالت کرمان بود (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۰-۳۸؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۳). با انتخاب شهر کرمان به عنوان مرکز ایالت از سده‌های ۴ تا ۶ هجری قمری، شاهراه «هرمز - جیرفت - کرمان - مرکز ایران» جایگزین مسیر سیرجان شد (امیرحاجلو، ۱۳۹۳: ۱۸۵)؛ اما با تحولات سیاسی و اجتماعی سده‌های ۶ و ۷ هجری قمری و آشفتگی‌ها و ناامنی جیرفت از سده‌ی ۷ هجری قمری، شاهراه جیرفت از رونق افتاد (همان: ۱۹۰) و دوباره شاهراه سیرجان اهمیت یافت. حیات شهرها و روستاها در دشت سیرجان با همین شاهراه ارتباطی پیوند داشت و شهر سیرجان و سکونتگاه‌های پیرامونش، در تعاملات جنوب ایران و پس‌کرانه‌های خلیج فارس از رونق زیادی برخوردار بودند.

برپایه‌ی بررسی‌های باستان‌شناسی نگارندگان و منابع تاریخی، به نظر می‌رسد شهر سیرجان در دوران اسلامی چندین بار جابه‌جایی داشته است. براساس نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در سال ۱۹۷۰ م. و گاهنگاری نسبی سفال‌های سطحی، شهر سیرجان در صدر اسلام در محوطه‌ی قلعه‌کافر در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان امروزی شکل گرفت (برای آگاهی از نتایج کاوش و گاهنگاری محوطه ر. ک. به: Morgan & Leatherby, 1987). اما از سده‌ی ۶ هجری قمری به تدریج به «قلعه‌سنگ» در دو کیلومتری غرب قلعه‌کافر منتقل شد؛ زیرا در محوطه‌ی قلعه‌کافر، سفال‌های پس از سده‌ی ۶ هجری قمری بسیار اندک است، درحالی‌که براساس نتایج کاوش در محوطه‌ی قلعه‌سنگ، اغلب سفال‌ها به بازه‌ی زمانی سده‌ی ۶ تا ۹ هجری قمری تعلق دارند (برای آگاهی از نتایج کاوش قلعه‌سنگ ر. ک. به: امیرحاجلو، ۱۳۹۴)؛ هم‌چنین، نام قلعه‌سنگ برای نخستین بار از سده‌ی ۶ هجری قمری به بعد با نام شهر سیرجان پیوند خورده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۴۲۶؛ منشی‌کرمانی، ۱۳۲۸: ۸۵-۸۴؛ مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۰۱؛ صورالاقالیم، ۱۳۵۳: ۵۵) و قبل از آن، هیچ‌یک از مورخان و جغرافیایان نویسان، به قلعه‌سنگ یا وجود کوهی سفیدرنگ در درون شهر سیرجان اشاره‌ای نکرده‌اند.

پس از آن، منازعات سیاسی و نبردهایی در اواخر دوره‌ی آل مظفر، تیمور و شاهرخ رخ داد و قلعه‌سنگ به دستور تیمور تسخیر و با خاک یکسان شد (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۳؛ یزدی، ۱۳۳۶: ۵۵۹؛ لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۴). با ترک شهر در این دوره، بازماندگان در محلی به نام «باغ‌بمید» در حاشیه‌ی شمال غربی شهر امروزی سیرجان ساکن شدند و آخرین مرحله از جابه‌جایی شهر در دوره‌ی قاجار در زمان «میرزا سعید کلانتر» در جنوب باغ‌بمید در محلی به نام «سعیدآباد»<sup>۲</sup> رخ داد. «احمدعلی‌خان وزیری» در دوره‌ی قاجار، به بیمند [یا بمید] اشاره کرده است. اما توسعه‌ی شهر سیرجان را در دوره‌ی قاجار در محل روستای سعیدآباد، ناشی از موقعیت آن بر سر راه‌های فارس-کرمان و بندرعباس-یزد دانسته است (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۸).

کاوش و بررسی نگارندگان در قلعه‌سنگ، به شناسایی گونه‌های سفال سده‌های میانی تا متأخر اسلامی منجر شد که از نظر کمیّت و تنوع، از ارزش مطالعاتی بالایی برخوردارند؛ درحالی‌که پیش از این سفال‌های این دوره در سیرجان معرفی و مطالعه نشده‌اند.<sup>۳</sup>

**اهداف و ضرورت پژوهش:** در پژوهش‌های باستان‌شناسی، یافته‌های سفالی در گاهنگاری نسبی و مطالعه‌ی روند تغییرات فرهنگی جوامع اهمیت دارند. پژوهش‌های روشمند درباره‌ی گونه‌های سفال در محوطه‌های مهمی هم‌چون قلعه‌سنگ یا شهر قدیم سیرجان، از این قاعده مستثنی نیست و با توجه به این‌که محوطه‌ی قلعه‌سنگ به‌عنوان دومین موقعیت مکانی شهر قدیم سیرجان، در پژوهش‌های باستان‌شناسی مغفول مانده و شناخت کافی از این شهر و مواد فرهنگی آن وجود ندارد؛ مطالعه‌ی گونه‌های سفال آن به‌منظور شناخت فراز و فرود این شهر، روابط آن با نواحی همجوار و نقش آن در تولید محلی سفال ضرورت دارد. بر این اساس، هدف اصلی این مقاله، مطالعه‌ی کمی و کیفی سفال‌های دوران اسلامی در محوطه‌ی قلعه‌سنگ، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی آن‌ها و شناخت صنعت سفالگری محلی در سیرجان است.

**پرسش‌های پژوهش:** تنوع تزئینی سفال‌های اسلامی قلعه‌سنگ چگونه است و این آثار به چه دوره‌هایی تعلق دارند؟ فراز و فرود صنعت سفالگری و ویژگی تولیدات محلی در قلعه‌سنگ چگونه است؟

**روش پژوهش:** داده‌ها به روش‌های اسنادی و میدانی گردآوری شده و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. ابتدا فعالیت‌های میدانی پیشین و پژوهش‌های باستان‌شناسی دشت سیرجان مطالعه شد. پس از کاوش و بررسی باستان‌شناسی محوطه، سفال‌های دوران اسلامی قلعه‌سنگ بررسی و طبقه‌بندی شده و به‌منظور مقایسه و گاهنگاری نسبی آن‌ها، مطالعات سفال سایر محوطه‌های دوران اسلامی در داخل و خارج از ایران نیز مورد توجه قرار گرفت. پس از آن منابع تاریخی و جغرافیایی به‌منظور مطابقت ادوار اوج و فرود شهر قدیم سیرجان با داده‌های سفالی بررسی شد؛ هم‌چنین، با توجه به این‌که استفاده از روش «تمام‌شماری» برای مطالعه‌ی سفال‌های قلعه‌سنگ به‌دلیل نامحدود بودن جامعه‌آماری امکان‌پذیر نبود، قطعات سفال با روش «نمونه‌برداری» و براساس «خصوصیات کیفی» مطالعه شدند؛ بنابراین، محدوده‌ی قلعه‌سنگ براساس عوارض طبیعی و مصنوعی به هشت بخش (B1 تا B8) تقسیم شد (تصویر ۸) و نمونه‌برداری به‌روش «غیراحتمالی» از نوع «پیشامدی ساده» از هر بخش به‌صورت جداگانه صورت گرفت. تقسیم محوطه به هشت بخش و نمونه‌برداری از هر بخش به‌صورت جداگانه، با دو هدف صورت گرفت. نخست، مطالعه‌ی تغییرات سفال در بخش‌های مختلف و دوم، مطالعه‌ی دقیق‌تر و آگاهی از وسعت محوطه در دوره‌های مختلف و سهولت در ثبت و ضبط داده‌ها؛ هم‌چنین، نمونه‌های سفال شاخصی که از سه کارگاه کاوش در دامنه‌های شمالی و شرقی قلعه‌سنگ به‌دست آمد (کارگاه‌های T1، T2 و T3)، به‌منظور افزایش دقت طبقه‌بندی و گاهنگاری، مطالعه شدند.

در مرحله‌ی بعد، ویژگی‌های فنی سفال‌ها براساس تکنیک ساخت، خمیره، فرم سفال و کاربرد، نقش و رنگ بررسی شد؛ سپس، تحلیل داده‌ها در چهار بخش «گاهنگاری نسبی»، «برهم‌کنش‌های فرهنگی با دیگر محوطه‌های اسلامی»، «تطبیق داده‌های سفال با توصیفات منابع مکتوب به‌منظور تبیین اوج و فرود حیات قلعه‌سنگ» و «تولید محلی سفال» صورت‌گرفت.

### پیشینه‌ی پژوهش

«ریچارد گیبونز» از نخستین افرادی است که در گذار از شهرهای کرمان، از قلعه‌سنگ بازدید کرده است (گیبونز، ۱۳۹۵: ۲۹). اما نخستین گزارش علمی درباره‌ی آثار سیرجان، گزارش «سایکس» است؛ سایکس (۱۳۳۶: ۴۳۱) در بررسی نواحی کرمان، در گذار از جاده‌ی بافت-سیرجان، به شهر قدیم سیرجان و قلعه‌سنگ رسید. او شهر قدیم سیرجان را همان «کارمانیا» یا «کرمان» پایتخت کرمان دانسته است.

«علی‌اکبر سرفراز» در سال ۱۳۴۴ ه.ش. شهرستان سیرجان را بررسی کرد. در سال ۱۹۷۰ م. (۱۳۴۹ ه.ش.) «آندریو ویلیامسون» کاوش‌هایی را در سه تا پنج کیلومتری شرق قلعه‌سنگ در محل شهر صدر اسلامی سیرجان به انجام رساند؛ اما پس از مرگ وی، گزارش ناقصی از این کاوش‌ها توسط «مورگان» و «لدربی» در سال ۱۹۸۷ م. منتشر شد (Morgan & Leatherby, 1987). از ویلیامسون تنها مقاله‌ای با همکاری «وایت‌هاوس» درباره‌ی تجارت دریایی «سیرجان و جیرفت» و «سیرجان و سیراف» با کشورهای سواحل خلیج فارس در دوره‌ی ساسانی منتشر شده است (Whitehouse & Williamson, 1973: 32).

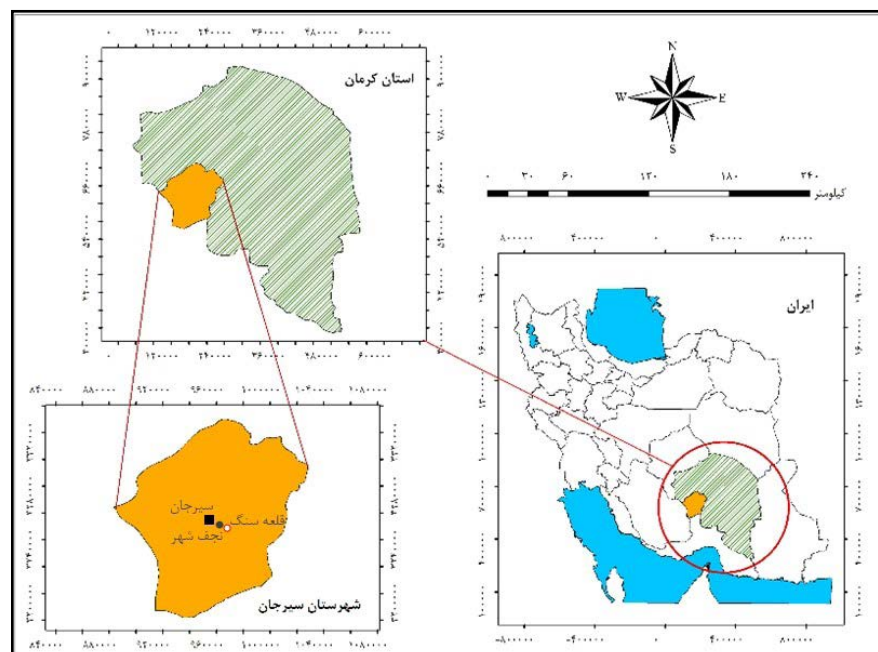
«پرویز ورجاوند» در مقاله‌ای ضمن معرفی منبر سنگی قلعه‌سنگ، آن را بخشی از یک آتش‌دان کهن معرفی کرد که در دوران اسلامی به منبر تبدیل شده است. وی اشاره‌ای به سفال‌های استامپی، قالبی و نقش‌کننده در قلعه‌سنگ داشته، اما درباره‌ی سفال‌های لعاب‌دار توضیحی ارائه نکرده است (ورجاوند، ۱۳۵۱). «بیوار» و «فهروری» نیز پس از کاوش‌های غبیرا، از شهر قدیم سیرجان بازدید کرده و سفال‌های سده‌ی ۳ تا ۶ هجری قمری غبیرا را مشابه سفال‌های سیرجان دانسته‌اند (Bivar & Fehervari, 1975: 181).

«ابوالقاسم حاتمی» در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ ه.ش. شهر قدیم سیرجان را به‌منظور تعیین حریم، گمانه‌زنی کرد. از نتایج این گمانه‌زنی‌ها، تعیین حریم درجه‌ی یک شهر قدیم سیرجان بود؛ بر این اساس، حریم درجه‌ی یک شهر از سمت شمال تا جاده‌ی بافت-سیرجان، از شمال غربی تا دیوار باغ پسته‌ی خانواده‌ی «قطبی»، از غرب تا دیوار خانه‌های «عزت‌آباد»، از جنوب تا زمین‌های کشاورزی موتور آب «حسین‌آباد» و از شرق تا زمین‌های کشاورزی موتور آب «استاد محمدعلی کربلایی حمید» پیشنهاد شد (حاتمی، ۱۳۷۴: ۶۵)؛ هم‌چنین در سه گمانه‌ی حفر شده در محوطه، آثاری از آوار طاق ضربی آجری، پایاب یک قنات، لوله‌های سفالی و قطعات سفال صدر اسلام به‌دست آمد (حاتمی، ۱۳۷۴: ۶۶-۶۹). وی هم‌چنین در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۴) به بررسی و مطالعه‌ی سیرجان قدیم

پرداخته است؛ او (۱۳۸۰) بخشی از داده‌های گمانه‌زنی و بررسی در شهر قدیم سیرجان را در کتاب سیرجان قدیم، مرکز صنعت و هنر اسلامی به چاپ رسانده است. افزون بر این، کاوش باستان‌شناسی در قلعه‌سنگ در سال ۱۳۹۴ ه.ش. صورت‌گرفت و شواهدی احتمالی از یک کارگاه سنگ‌تراشی و حمامی بزرگ، در دامنه‌های شمالی و شرقی قلعه‌سنگ به‌دست آمد (امیرحاجلو، ۱۳۹۴).

### ویژگی‌های جغرافیایی و شواهد باستان‌شناسی قلعه‌سنگ

قلعه‌سنگ در غرب شهر قدیم سیرجان، در هشت کیلومتری جنوب شرقی شهر فعلی سیرجان، در حاشیه‌ی غربی روستای عزت‌آباد قرار دارد. طول شرقی قلعه‌سنگ از ۵۵ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه تا ۵۵ درجه و ۴۶ دقیقه و ۰۲ ثانیه، عرض شمالی آن از ۲۹ درجه و ۲۱ دقیقه و ۴۹ ثانیه تا ۲۹ درجه و ۲۲ دقیقه و ۰۸ ثانیه و میانگین ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۱۷۴۵ متر است (نقشه‌های ۱ و ۲). این محوطه، دومین مکان شهر سیرجان بوده است. کوهی از سنگ آهکی سفید در مرکز محوطه واقع است که به‌عنوان شاخص‌ترین عارضه‌ی طبیعی دشت سیرجان، موقعیت ویژه‌ای برای شکل‌گیری شهر و تفکیک دو فضای حاکم‌نشین و عامه‌نشین داشت (تصاویر ۱ تا ۳). استحکامات نظامی و حاکم‌نشین شهر در ارتفاعات و دامنه‌های کوه شکل‌گرفته و پیرامون آن شارستان، دو بارو، برج‌ها و ربض برجای مانده است. قلعه‌سنگ، دارای دو باروی خشتی است و حدود ۳۰ هکتار مساحت دارد؛ اما براساس شواهد پیرامون آن، بیش از ۸۵ هکتار وسعت داشته است. محیط باروی خارجی قلعه‌سنگ ۱۹۵۰ متر است. باروی بخش جنوب‌غربی مستحکم‌تر، بلندتر و دارای خشت‌های بزرگ‌تر و احتمالاً کهن‌تر است. هم‌چنین، ۴۹ برج در طول باروها قابل شناسایی است. شاخص‌ترین اثر برجای مانده در قلعه‌سنگ، منبری از



► نقشه ۱. موقعیت سیرجان و قلعه‌سنگ در استان کرمان و ایران (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۱. عکس ماهواره‌ای از قلعه‌سنگ و باروهای آن (Google Earth, 2016).



▲ تصویر ۲. نمای شمالی قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سنگ مرمر سفید است که کتیبه‌ی ثلث روی بدنه‌ی آن، تاریخ ۷۸۹ هجری قمری را نشان می‌دهد (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۱۱۲). با توجه به ویژگی‌های ظاهری منبر و وضعیت کلمات در کتیبه‌ی آن، به نظر می‌رسد ساخت آن به اتمام نرسیده و ناتمام مانده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۴: ۲۸). «سایکس» نیز به کتیبه‌ای حکاکی شده پرفراز قلعه‌سنگ با تاریخ ۴۱۰ هجری قمری اشاره کرده‌است (سایکس، ۱۳۳۶: ۴۲۷). در کاوش باستان‌شناسی قلعه‌سنگ، شواهدی از یک کارگاه سنگ‌تراشی در کارگاه یک

▼ تصویر ۳. باروهای اول و دوم قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).



و حمامی با وسعت ۱۸۰ مترمربع در کارگاه‌های دو و سه به‌دست آمد (امیرحاجلو، ۱۳۹۴).

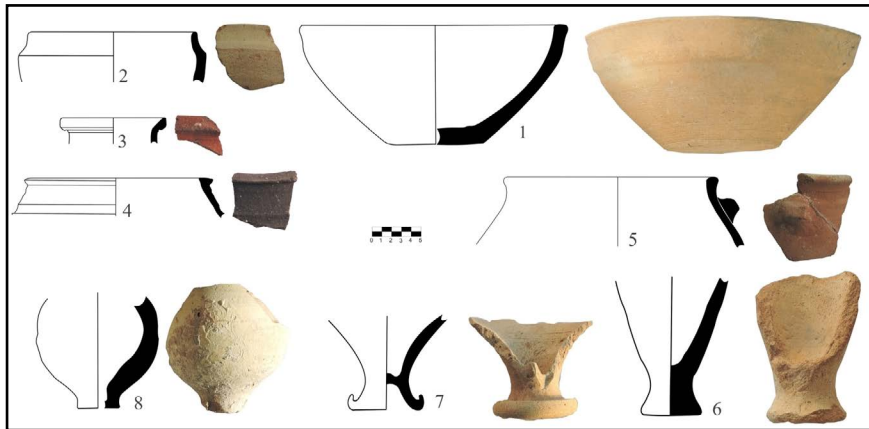
## بحث

### الف) طبقه‌بندی و گاهنگاری نسبی سفال قلعه سنگ

طبقه‌بندی سفال‌های دوران اسلامی حاصل از کاوش و بررسی در قلعه‌سنگ، به‌منظور تعیین ارتباط میان داده‌ها به‌شیوه‌ی «طبقه‌بندی اسمی» صورت‌گرفت. طبقه‌بندی براساس دو متغیر «پوشش» و «تزیین» بوده است؛ زیرا شیوه‌های نقش‌اندازی (تزیین) و لعاب‌دهی (پوشش) سفال اسلامی از تنوع زیادی برخوردار است. این تنوع، تفکیک تولیدات محلی و وارداتی، گاهنگاری نسبی و مطالعه‌ی دامنه‌ی گسترش گونه‌های سفال را ممکن می‌سازد؛ هم‌چنین، سفال‌ها در چهار گروه کلی «ساده‌ی بدون لعاب»، «منقوش بدون لعاب»، «لعابدار تک‌رنگ» و «لعابدار چندرنگ» مطالعه شدند و به‌منظور گاهنگاری نسبی، مقایسه‌ی میان آن‌ها با نواحی دیگر صورت‌گرفت.

**۱) سفال ساده‌ی بدون لعاب:** سفال‌های ساده‌ی بدون لعاب، خمیره‌ای درطیف نخودی، نخودی مایل به قرمز یا خاکستری، قرمز و خاکستری دارند و ماده‌ی چسباننده‌ی آن‌ها کانی (ماسه یا ماسه‌بادی) است. برخی از آن‌ها، به‌ویژه نمونه‌های خمیره‌ی قرمز یا نخودی مایل به قرمز، یک لایه‌ی پوشش گلی رقیق نخودی، قرمز یا نخودی مایل به خاکستری دارند. ضخامت بیشتر سفال‌ها متوسط (۶ تا ۱۰ میلی‌متر) است، اما برخی نیز از نوع خشن هستند و بیش از ۱۰ میلی‌متر ضخامت دارند. اغلب سفال‌ها چرخ‌ساز و برخی نمونه‌ها مانند دسته، لوله، درپوش، پیه‌سوز پیاله‌ای شکل و سفال‌های زمخت، دست‌ساز یا فتیله‌ای هستند. فرم اغلب سفال‌ها دهانه‌بسته و برخی دهانه‌باز شامل ظروف لوله‌دار، تنگ، کوزه، خمره و کاسه است. فرم لبه‌های آن‌ها بیرون برگشته، تخت، اریب، مثلثی، مربعی، گرد ساده یا T شکل با زائده‌ی رو به بیرون و کف آن‌ها تخت یا مقعر است (تصویر ۴). به‌نظر می‌رسد سفال‌های این گروه در بازه‌ی اواخر دوران تاریخی تا اسلامی قرار دارند. قدیمی‌ترین شواهد شامل چند قطعه سفال با خمیره‌ی خاکستری یا قرمز است (تصویر ۴: نمونه‌های ۳ تا ۵) که احتمالاً به دوره‌ی ساسانی تا اوایل اسلام تعلق دارند. سفال‌های خمیره‌ی خاکستری، ضخامت متوسط و خمیرمایه‌ی کانی (ماسه و احتمالاً آهک) دارند. فرم آن‌ها دهانه‌بسته است و لبه‌های تقریباً به بیرون برگشته دارند (تصویر ۴: نمونه ۴). مشابه این فرم سفال در کاوش‌های محوطه‌ی باستانی کوش امارات به‌دست آمده که به دوره‌ی ساسانی تا اوایل اسلام منسوب شده‌اند (Kenet, 2002: 157). سفال‌های خمیره‌ی قرمز نیز شامل دو گروه هستند. گروه نخست که تنها یک قطعه از آن شناسایی شده، ضخامت متوسط با پوشش گلی رقیق قرمز دارد و در خمیره‌ی آن قطعات سفید دیده می‌شود (تصویر ۴: نمونه ۳). این سفال نیز از نظر فرم با برخی نمونه‌های دوره‌ی ساسانی تا اوایل اسلام در کوش شباهت دارد (همان‌جا). گروه دیگر، سفال‌های خمیره‌ی قرمز نسبتاً

ضخیم هستند. روی بدنه‌ی این سفال زائده‌ی دسته‌مانند و بیرون‌زده‌ی تقریباً مربعی وجود دارد. احتمال دارد این سفال نیز مربوط به دوره‌ی ساسانی تا اوایل اسلام باشد (تصویر ۴: نمونه ۵).



تصویر ۴. نمونه‌های سفال ساده بدون لعاب قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

بیشتر سفال‌های شناسایی‌شده‌ی این گروه، خمیره‌ی نخودی تا نخودی مایل به قرمز دارند و فرم لبه‌های آن‌ها گرد ساده یا به بیرون برگشته است. مشابه این سفال‌ها در بسیاری از محوطه‌های دوران اسلامی به دست آمده است؛ از این رو و به سبب آن‌که فرم شاخصی ندارند، به‌طور دقیق قابل تاریخ‌گذاری نیستند. اما در کارگاه‌های دو و سه، یعنی ساختار کاوش‌شده‌ی حمام، ۷۰ قطعه سفال خمیره‌ی نخودی با فرم دهانه‌باز کاسه‌مانند و لبه‌های گرد ساده و کف تخت به دست آمد. این سفال‌ها بافت نسبتاً متراکم و سطح نسبتاً صیقلی دارند و خمیرمایه‌ی آن‌ها ماسه‌بادی است. با توجه به آن‌که این سفال صرفاً در فضای حمام به دست آمده، احتمالاً به‌عنوان کاسه‌ی حمام کاربرد داشته است (تصویر ۴: نمونه ۱). در کاوش‌های دوره‌ی ایلخانی تپه حسنلو نیز چنین فرم کاسه‌ای با همان نوع خمیره به دست آمده است (Danti, 2004: 21, fig 20). با توجه به این‌که حمام کاوش‌شده‌ی قلعه‌سنگ در بازه‌ی زمانی سده‌ی پنجم تا نهم هجری قمری ساخته شده و داده‌های سده‌ی هشتم تا نهم هجری قمری در آن قوی‌تر است (امیرحاجلو، ۱۳۹۴: ۲۱۵)، احتمال دارد این کاسه‌ها نیز در این بازه، به‌ویژه در سده‌های هشتم تا نهم هجری قمری تولید و استفاده شده‌اند.

**(۲) سفال منقوش بدون لعاب:** سفال‌های منقوش بدون لعاب در قلعه‌سنگ، خمیره‌ای در طیف نخودی تا نخودی مایل به قرمز یا خاکستری یا سبز دارند و خمیرمایه‌ی آن‌ها کانی (ماسه‌بادی یا بعضاً ماسه) است. این نمونه‌ها اغلب چرخ‌ساز و نمونه‌های اندکی دست‌ساز یا فتیله‌ای هستند. فرم اغلب آن‌ها دهانه‌بسته و شامل ظروف لوله‌دار، تنگ، کوزه و خمره است؛ اما تعداد اندکی دهانه‌باز و با فرم کاسه هستند. تزئین این سفال‌ها شامل نقوش گنده، فشاری، افزوده (تصویر ۵: نمونه ۶)، برجسته (تصویر ۵: نمونه ۷)، مشبک و دوپوششی، استامپی یا قالبی و در برخی نمونه‌ها، ترکیبی از چند نوع شیوه‌ی نقش‌اندازی (تصویر ۵: نمونه‌های ۱، ۹ و ۱۰) است (جدول ۱).

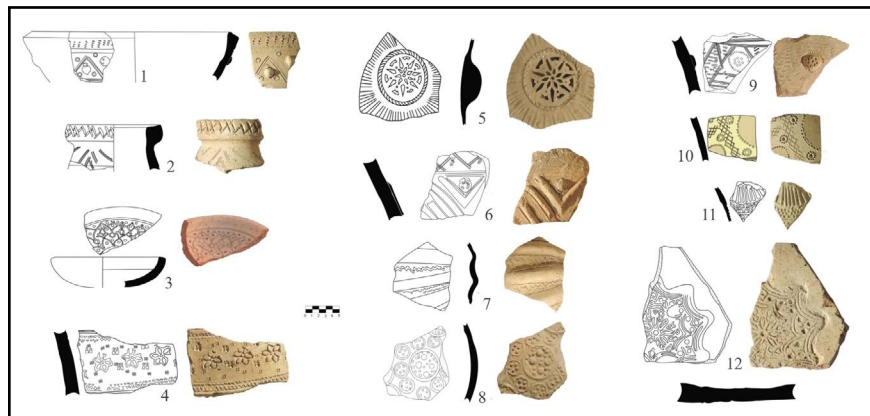


► جدول ۱. انواع تزئین سفال‌های منقوش بدون لعاب قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

نقش‌کننده	فشاری	افزوده یا برجسته	استامپی یا قالبی	ترکیبی	مشبک و دو پوششی
اشکال مختلف خطی ساده	سیلندری یا نواری	افزوده‌ی دکمه‌ای	استامپی	کنده و فشاری	مشبک دوجداره
خطی خوشه‌ی گندمی	ناخنی	افزوده‌ی نواری	قالبی	افزوده و فشاری	دو پوشه‌ی ترکیبی
خطی شطرنجی	انگشتی	برجسته‌ی نواری		افزوده و کنده	
اشکال مختلف دایره یا مثلثی		برجسته‌ی طنابی		استامپی و فشاری	

تزئین نقش‌کننده، فشاری، افزوده یا ترکیبی، متنوع‌ترین نوع تزئین در نمونه‌های بدون لعاب قلعه‌سنگ است. این شیوه‌های تزئین نمونه‌های منقوش بدون لعاب در ادوار تاریخی و اسلامی رایج بود؛ اما برخی از نمونه‌های آن (تصویر ۵: نمونه ۱، ۲ و ۹) همسانی‌هایی با سفال‌های سده‌ی ۴ تا ۷ ه.ق. در شهر قدیم سیرجان (قلعه‌کافر) دارد (Morgan & Leatherby, 1987: fig 39)؛ هم‌چنین برخی سفال‌های خمیره‌ی نخودی با نقش ترکیبی افزوده، کنده و فشاری ابزاری در قلعه‌سنگ (تصویر ۵: نمونه ۹) از نمونه‌های شاخص سده‌های ۵-۷ ه.ق. هستند. نمونه‌های مشابه این گروه، در کاوش‌های غیرا به دست آمده است (Bivar, 2000: 442, N: b71-68).

شمار اندکی سفال با تزئین قالبی و استامپی با نقوش هندسی، در بررسی سطحی قلعه‌سنگ شناسایی شد (تصویر ۵: نمونه ۴، ۸، ۱۱ و ۱۲). این سفال‌ها تا حدودی مشابه نمونه‌های سده‌ی ۵ تا ۷ ه.ق. در جیرفت، غیرا و نیشابور هستند (چوبک، ۱۳۹۱: ۸۹؛ Bivar, 2000: 444 و Wilkinson, 1973: 356-357). نکته‌ی مهم، تولید فراوان سفال قالبی در جیرفت و فارس و توزیع اندک آن در سیرجان در سده‌های میانی اسلامی است. «ویلیامسون» نیز به تولید اندک سفال قالبی در سیرجان اشاره کرده است (Williamson, 1987: 22)؛ علاوه بر این موارد چند قطعه شامل سفال خمیره‌ی نخودی ظریف با بدنه‌ی خیاره‌ای شکل و تزئین‌کننده (تصویر ۵: نمونه ۷)، سفال ظریف با تزئین دو پوشه‌ی نخودی و نخودی مایل به قرمز با تزئین ترکیبی کنده-فشاری (تصویر ۵: نمونه ۱۰) و سفال خمیره‌ی نخودی ظریف دوجداره‌ی مشبک با تزئین کنده یا تراشی، نیز در قلعه‌سنگ شناسایی شد که از پراکندگی اندکی برخوردارند (تصویر ۵: نمونه ۵). با توجه به تکنیک ساخت و تزئین، تاریخ سده‌های ۵ تا ۷ ه.ق. برای این نمونه‌ها پیشنهاد می‌شود.



► تصویر ۵. نمونه‌های سفال منقوش بدون لعاب قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

### ۳) سفال لعاب‌دار تک‌رنگ: انواع سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ در قلعه‌سنگ

شناسایی شد. خمیره‌ی این سفال‌ها برخلاف نمونه‌های بدون لعاب، از نوع رُسی، شبه‌چینی و چینی است. سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ابتدا به دو گروه تقسیم و هر گروه جداگانه مطالعه شده‌است.

#### گونه‌ی لعاب‌دار تک‌رنگ ساده: خمیره‌ی سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده،

رُسی نخودی یا نخودی مایل به قرمز، شبه‌چینی نرم یا زیر و چینی رنگی است. لعاب آن‌ها سفید، فیروزه‌ای روشن تا تیره، سبز روشن تا تیره، لاجوردی، بادمجانی و قهوه‌ای روشن تا تیره است. فرم بیشتر آن‌ها دهانه‌باز و به شکل پیاله، کاسه و قحح هستند. کف آن‌ها حلقوی پایه‌دار یا تخت و لبه‌ها گرد ساده، به داخل یا خارج برگشته و T شکل است. با توجه به این‌که در بررسی‌های قلعه‌سنگ تعدادی سه‌پایه، توپی سفال، سفال دفرمه‌ی ساده و نمونه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ سبز تا فیروزه‌ای به دست آمده که ماده‌ی لعاب به صورت کنترل نشده بر سطح آن‌ها جاری شده (تصویر ۶: نمونه‌های ۴، ۵، ۶) و لکه‌های لعاب آن‌ها، روی توپی‌های کوره نیز برجای مانده (تصویر ۸)، احتمالاً برخی از سفال‌های خمیره‌ی رُسی در همین محوطه تولید شده‌اند و وارداتی نیستند. این سفال‌ها خمیره‌ی رُسی نخودی مایل به قرمز با خمیرمایه‌ی ماسه‌بادی دارند و رنگ لعاب آن‌ها فیروزه‌ای تیره، قهوه‌ای، سبز تیره تا سبز مایل به قهوه‌ای است. فرم کف آن‌ها حلقوی و بعضاً تخت و فرم لبه‌ها T شکل یا به خارج برگشته است (تصویر ۶). این سفال‌ها عمدتاً دهانه‌باز و شامل انواع کاسه هستند و از نظر فرم لبه و فرم ظرف با سفال‌های سده‌های ۷ تا ۹ ه.ق. مشابهت نسبی دارند (Watson, 2004: 383 & 393). با توجه به این‌که پراکندگی سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده در سطح محوطه فراوان است و قلعه‌سنگ بر پایه‌ی منابع تاریخی در بازه‌ی زمانی سده‌ی ۷ تا ۹ ه.ق. اهمیت بسیاری یافته بود، احتمال تعلق بسیاری از این سفال‌ها به این بازه‌ی زمانی زیاد است.

گروه دیگر از سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده، نمونه‌های خمیره‌ی شبه‌چینی با لعاب فیروزه‌ای یا لاجوردی هستند (تصویر ۶). شمار این سفال در محوطه، نسبت به نمونه‌های خمیره‌ی رُسی کمتر است. این گونه‌ی سفال، در بخشی از سطح شهر قدیم سیرجان (قلعه‌کافر) نیز توزیع شده، اما در گزارش منتشر شده، اشاره‌ای به آن نشده است (Morgan & Leatherby, 1987). این گونه سفال از نمونه‌های شاخص سده‌های ۶-۷ ه.ق. است و در مراکز مهم آن روزگار هم چون: جیرفت، مشکویه، ذلف‌آباد و نیشابور نیز شناسایی و یا تولید شده‌اند (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۹؛ مهجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۰۹؛ نعمتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۳ و Wilkinson, 1973: 288).

گروه سوم، سفال سلادن است که خمیره‌ی چینی سفید مایل به خاکستری و لعاب متنوع سبز روشن دارند. در قلعه‌سنگ شمار زیادی سلادن ساده یا تزئینی زیرلعاب تک‌رنگ به دست آمده است که فرم دهانه‌باز شامل اشکال مختلف کاسه دارند (تصویر ۶: نمونه ۱۳). این سفال‌ها از نظر رنگ لعاب، نوع خمیره، فرم و تزئین تا حد زیادی به برخی سفال‌های دوره‌ی یوان چین (مقارن با سده‌ی ۸ ه.ق. ۱۴٪ م. مشابهت دارند (Barnes et al., 2010: 357).

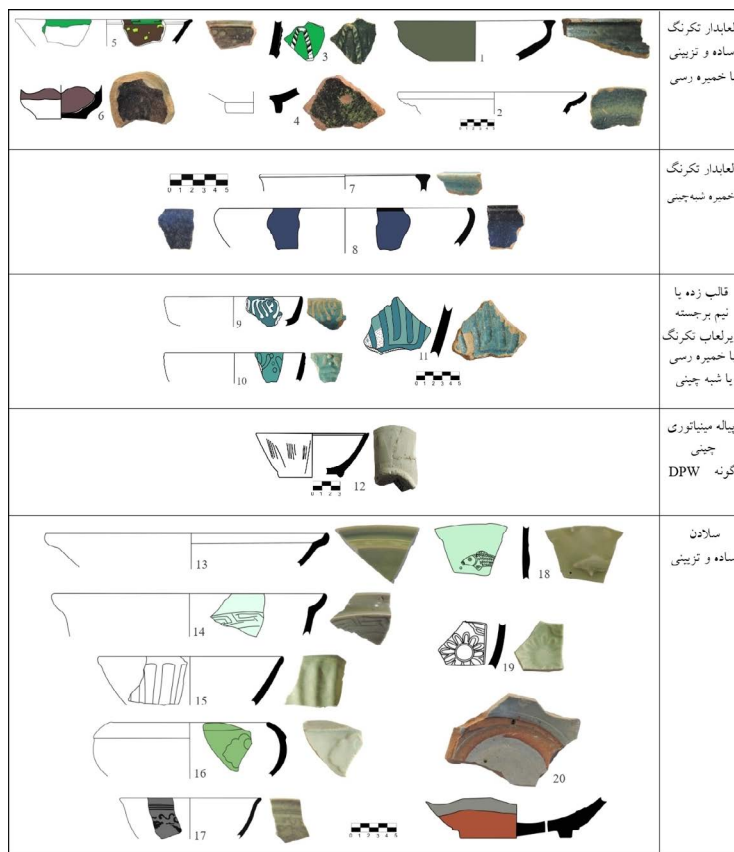
## گونه‌ی لعاب‌دار تک‌رنگ منقوش

این سفال‌ها خمیره‌ی رُسی، شبه‌چینی و چینی دارند و لعاب آن‌ها سفید تا فیروزه‌ای و سبز روشن تا تیره است. شمار اندکی سفال لعاب‌دار تک‌رنگ خمیره‌ی رُسی در قلعه‌سنگ شناسایی شد که تزئین زیر لعاب دارند. لعاب این سفال‌ها، سبز تیره و فیروزه‌ای است و دارای تزئین افزوده‌ی طنابی و قالبی هستند. سفال‌های با تزئین افزوده‌ی طنابی از لحاظ تکنیک ساخت و لعاب‌دهی شبیه نمونه‌های تک‌رنگ ساده‌ی محوطه هستند و به همین دلیل، احتمالاً در سده‌های ۷ تا ۹ ه.ق. در همین محل تولید شده‌اند (تصویر ۶: نمونه ۳)؛ در عین حال که براساس نوع خمیره، رنگ لعاب، کیفیت لعاب و نوع تزئین هیچ اشتراکی با نمونه‌های صدر اسلام ندارند (جهت مقایسه‌ی نمونه‌های صدر اسلام با سفال‌های مشابه قرون ۷-۹ ه.ق. قلعه‌سنگ ر.ک. به: Priestman, 2013: 693). یک قطعه‌ی سفال خمیره‌ی رُسی نخودی با تزئین قالبی زیر لعاب فیروزه‌ای و فرم کاسه‌مانند نیز از قلعه‌سنگ به دست آمد. احتمال دارد این سفال تزئین کتیبه‌ای داشته، اما بخش اندکی از آن باقی مانده است (تصویر ۶: نمونه ۱۱). معمولاً تزئین قالبی زیر لعاب در سده‌های ۶-۷ ه.ق. و روی سفال‌های با خمیره‌ی شبه‌چینی صورت می‌گرفت (برای نمونه ر.ک. به: Watson, 2004: 306). اما این سفال با خمیره‌ی رُسی تا حدی متمایز است و مشابه آن در بررسی‌های مقایسه‌ای سایر محوطه‌های دوران اسلامی داخل و خارج ایران شناسایی نشد؛ اما با توجه به ویژگی‌های تزئینی، احتمال دارد این سفال نیز در همان بازه‌ی زمانی تولید شده باشد.

سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ منقوش با خمیره‌ی شبه‌چینی نیز به تعداد اندک در قلعه‌سنگ به دست آمده‌اند. این سفال‌ها، لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای با فرم دهانه‌باز پیاله‌مانند و لبه‌های گرد ساده دارند. روی بدنه‌ی خارجی و اطراف لبه، تزئینات قالبی زیر لعاب اجرا شده که بیشتر شبیه نقوش هندسی یا شبه‌کتیبه هستند (تصویر ۶: نمونه ۹-۱۰). مشابه این شیوه‌ی تزئینی با تفاوت در فرم لبه، در برخی محوطه‌های سده‌های ۷-۸ ه.ق. از جمله ارزانفود همدان و بیستون کرمانشاه شناسایی شد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴؛ کلایس و کالمیر، ۱۳۸۵: ۲۷۵)؛ اما با توجه به مشابهت تکنیک ساخت و لعاب‌دهی آن‌ها با نمونه‌های تک‌رنگ ساده و تفاوت فرم لبه‌های آن‌ها با نمونه‌های دوره‌ی ایلخانی، احتمالاً این سفال‌ها در سده‌های ۶-۷ ه.ق. تولید شده‌اند.

شمار سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ منقوش با خمیره‌ی چینی در قلعه‌سنگ فراوان‌تر است. بیشتر این سفال‌ها از نوع سلادن وارداتی از چین هستند، اما نمونه‌ای شاخص در میان آن‌ها وجود دارد که به گونه‌ی «Dehua Plain Ware (DPW)» موسوم است. این سفال بخشی از یک پیاله‌ی مینیاتوری لعاب‌دار سفید با خمیره‌ی چینی و نقش‌کنده‌ی زیر لعاب است که در برخی محوطه‌های اسلامی به ندرت شناخته شده است (تصویر ۶: نمونه ۱۲). مشابه این سفال در کاوش‌های «کوش» به دست آمده و تاریخ سده‌ی ۸ ه.ق. برای آن پیشنهاد شده است (Kennet, 2004: 64 & 143). با توجه به منشأ تولید این سفال و شناسایی آن از محوطه‌ی

کوش (در حاشیه‌ی دریای عمان) و سیرجان، می‌توان خط سیر واردات آن را از چین ترسیم کرد؛ اما لعاب سفال‌های سلادن شامل انواع سبز مایل به سفید، سبز تیره، سبز روشن یا زیتونی و سبز مایل به زرد است. خمیره‌ی این سفال‌ها از نوع چینی سفید مایل به خاکستری است، اما در برخی قطعات بخشی کوچکی از خمیره‌ی کف، به رنگ قهوه‌ای مایل به نارنجی است. کاربرد خمیره‌ای به رنگ قهوه‌ای مایل به نارنجی عموماً در ساخت سفال‌های دوره‌ی یوآن یا سده‌ی ۸ ه.ق. رواج داشته که به سفال‌های «لانگ چوآن» (Longquan Ware) شهرت دارند (Barnes et al., 2010: 336). این سفال‌ها دارای تزئین‌کننده و استامپی یا قالبی با نقش ماهی یا گل صد تومانی نیز هستند و بدنه‌ی برخی از آن‌ها خیاره‌ای شکل است (Ibid., 335 - 334). این ویژگی تزئینی را در برخی دیگر از سفال‌های سلادن در قلعه سنگ می‌توان دید (تصویر ۶: نمونه‌های ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۱۹). نمونه‌های تقریباً مشابهی با این سفال‌ها، به‌ویژه نمونه‌های با بدنه‌ی خیاره‌ای شکل و تزئین‌کننده‌ی زیر لعاب، در برخی محوطه‌های جنوب ایران از جمله حریره‌ی کیش و میناب به دست آمده است (موسوی، ۱۳۷۶: ۲۳۲ و Morgan, 1991: 73-77). تولید سفال‌های لانگ چوآن تا حدود سده‌ی ۹ ه.ق. در زمان سلسله‌ی مینگ ادامه یافت؛ اما رنگ لعاب آن تیره‌تر شد و بیشتر، از تزئین‌کننده استفاده شد (Walenstain, 1989: 203)؛ همین ویژگی را در چند قطعه‌ی اندک از سفال‌های سلادن قلعه سنگ می‌توان دید (تصویر ۶: نمونه ۱۷).



تصویر ۶. نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ ساده و منقوش با خمیره‌ی رسی، شبه چینی و چینی در قلعه سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

**۴) سفال لعابدار چندرنگ:** سفال لعابدار چندرنگ، متنوع‌ترین گروه از سفال‌های قلعه‌سنگ است. این سفال‌ها خمیره‌ی رُسی، شبه‌چینی یا چینی سفید دارند و به دو گروه نقاشی زیر لعاب و نقاشی روی لعاب تقسیم می‌شوند.

**گونه‌ی نقاشی زیر لعاب:** نمونه‌های نقاشی زیر لعاب از متنوع‌ترین سفال‌های شناسایی شده محسوب می‌شوند. خمیره‌ی این سفال‌ها رُسی نخودی، نخودی مایل به قرمز، شبه‌چینی و چینی سفید است و فرم آن‌ها دهانه‌باز و شامل پیاله، کاسه، قدح یا دیس است. تزئینات آن‌ها بسیار متنوع و شامل ۱۴ نوع است (جدول ۲).

در جدول ۲، سفال‌های لعابدار چندرنگ به دلیل تنوع زیاد، براساس نوع خمیره و رنگ زمینه تقسیم‌بندی شده‌اند. گونه‌ی نقاشی زیر لعاب با خمیره‌ی رُسی، یکی از گونه‌های پرشمار است. خمیره‌ی این سفال‌ها رُسی نخودی و نخودی مایل به قرمز و خمیرمایه‌ی آن‌ها کانی (ماسه‌بادی) است. فرم آن‌ها عموماً دهانه‌باز و شامل انواع کاسه است. فرم لبه‌ها معمولاً ساده یا به بیرون برگشته و فرم کف تمام آن‌ها حلقوی پایه‌دار است. تزئین آن‌ها شامل اشکال هندسی نواری، شطرنجی، درهم‌تنیده، گیاهی مسبک و موارد دیگر است (تصویر ۷). با توجه به فراوانی این سفال‌ها در سطح قلعه‌سنگ، کیفیت ساخت نسبتاً ضعیف و وجود شواهدی از تولید سفال مانند سه‌پایه و سفال دگرریخت شده، احتمالاً برخی از این سفال‌ها در همین محل تولید شده‌اند. نمونه‌های مشابه با این سفال در بسیاری از محوطه‌های سده‌ی ۷ تا ۹ ه.ق. از جمله: غبیرا (Bivar, 2000: 417-420)، ری (Treptow, 2007: 38)، المتاف رأس الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)، جنوب ایران (Priestman, 2013: 624, 702)، مالین باخزر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶) و ذلف‌آباد فراهان (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۳۱) به‌دست آمده است. در میان سفال‌های قلعه‌سنگ، یک قطعه با خمیره‌ی رُسی نخودی مایل به قرمز و تزئین سایه‌نما (Silhouette) شناسایی شد (تصویر ۷: نمونه ۱۰). این شیوه‌ی تزئین عموماً در سفال‌های با خمیره‌ی شبه‌چینی سده‌ی ۶-۷ ه.ق. به‌کار رفته است (Watson, 2004: 333)؛ بدین سبب، احتمال دارد این قطعه سفال نیز در همین بازه‌ی زمانی تولید شده باشد.

► جدول ۲. انواع سفال‌های نقاشی زیر لعاب در قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

خمیره‌ی چینی	خمیره‌ی شبه‌چینی		خمیره‌ی رُسی	
زمینه‌ی سفید	زمینه‌ی فیروزه‌ای	زمینه‌ی سفید	زمینه‌ی فیروزه‌ای یا سبز تیره	زمینه‌ی سفید
تک‌رنگ لاجوردی	تک‌رنگ سیاه	تک‌رنگ لاجوردی	تک‌رنگ سیاه زمینه‌ی فیروزه‌ای	تک‌رنگ سیاه
دورنگ لاجوردی و فیروزه‌ای	تک‌رنگ لاجوردی	دورنگ لاجوردی و سیاه	تک‌رنگ سیاه زمینه‌ی سبز تیره	دورنگ سیاه و فیروزه‌ای
		دورنگ لاجوردی و سبز	*سایه‌نما*	سه‌رنگ سیاه، فیروزه‌ای و لاجوردی
		دورنگ سیاه و سبز		

گروه دیگری از سفال‌های نقاشی زیر لعاب دارای خمیره‌ی شبه‌چینی هستند؛ فرم این سفال‌ها عموماً دهانه‌باز و شامل انواع پیاله و کاسه است. نمونه‌های زمینه‌ی فیروزه‌ای نادرترند و تنها چند قطعه از آن‌ها در محوطه به‌دست آمد. سفال تک‌رنگ لاجوردی در زمینه‌ی فیروزه‌ای با تزئین گیاهی از آن جمله است و از نظر نوع نقش با نمونه‌های آبی‌وسفید شباهت دارد (تصویر ۷: نمونه ۲۶). این سفال از نمونه‌های کمتر معرفی‌شده‌ی دوران اسلامی است و درباره‌ی مرکز تولید آن اطلاعاتی

منتشر نشده است. نمونه‌های تقریباً مشابهی با زمینه‌ی سفید و اندکی متمایل به فیروزه‌ای یا لاجوردی در چین در زمان سلسله‌ی مینگ (سده‌ی ۹ ه.ق.) تولید شده (Barnes et al., 2010: 384); اما نمونه‌ی مشابه با زمینه‌ی کاملاً فیروزه‌ای در این کشور ساخته نشده و احتمالاً در شرق ایران یا افغانستان و در همین بازه‌ی زمانی تولید شده است (Watson, 2004: 451). نوع دیگر، اما اندک از سفال‌های زمینه‌ی فیروزه‌ای، نمونه‌های منقوش سیاه‌رنگ هستند. فرم این سفال‌ها دهانه‌باز و تزئینات آن‌ها، هندسی و گیاهی است (تصویر ۷: نمونه‌های ۱۲ و ۱۳). این سفال‌ها از نظر تکنیک ساخت و تزئین تا حدی شبیه به گونه‌ی سفال کوباچه از سده‌ی ۱۰ ه.ق. هستند. این سفال‌ها احتمالاً در تبریز تولید شده و از آنجا به دیگر نقاط صادر شده‌اند (Ibid: 462-463). تقریباً مشابه این سفال‌ها در بررسی‌های سطحی محوطه‌ی خانلق شهرری نیز به دست آمد (مهجور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

سفال نقاشی زیر لعاب زمینه‌ی سفید با خمیره‌ی شبه‌چینی از متنوع‌ترین و فراوان‌ترین سفال‌های این گروه است. شاخص‌ترین سفال‌های آن، نمونه‌های آبی و سفید تک‌رنگ یا دورنگ است. این سفال‌ها تماماً دهانه‌باز بوده و به سبب آن‌که شواهد تولید آن‌ها در منطقه به دست نیامد، احتمالاً وارداتی از دیگر مناطق هستند. قدیمی‌ترین نمونه‌ی آبی و سفید قلعه‌سنگ از نوع پاشیده‌ی نواری معروف به گونه‌ی «جرجان» است (Kiani, 1984: 48) که تنها چند قطعه از آن در سطح محوطه به دست آمد (تصویر ۷: نمونه ۳۲). با توجه به شواهد این نوع سفال در سده‌های ۶-۷ ه.ق.، در محوطه‌های بسیاری تولید شده که نزدیک‌ترین آن‌ها به قلعه‌سنگ، شهر قدیم جیرفت است (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۴); پس از آن، بیشترین فراوانی سفال‌های آبی و سفید خمیره‌ی شبه‌چینی، مربوط به سده‌ی ۸ و ۹ ه.ق. است (تصویر ۷: نمونه‌های ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳). تزئین این سفال‌ها، گیاهی و اسلیمی است و شواهد تولید آن‌ها در محوطه به دست نیامد؛ بدین سبب احتمالاً وارداتی از دیگر مناطق باشند. نمونه‌های مشابه با این سفال در بسیاری از محوطه‌های اسلامی ایران به دست آمده که نزدیک‌ترین آن‌ها، محوطه‌های کرانه‌ی شمالی خلیج فارس است (Priestman, 2013: 701-2). از متأخرترین سفال‌های آبی و سفید خمیره‌ی شبه‌چینی در قلعه‌سنگ یک قطعه کف حلقوی با تزئینات هندسی که احتمالاً از سده‌های ۱۱-۱۲ ه.ق. است (تصویر ۷: نمونه ۲۸). علاوه بر سفال‌های آبی و سفید، قطعات دیگری با تزئین نقاشی زیر لعاب در زمینه‌ی سفید خمیره‌ی شبه‌چینی در قلعه‌سنگ به دست آمد. قدیمی‌ترین نمونه‌ی شناسایی شده‌ی این سفال‌ها، تزئین دورنگ سیاه و لاجوردی و سبز و لاجوردی دارد و فرم آن‌ها دهانه‌باز شامل انواع کاسه است. این سفال‌ها به تعداد اندک در سطح محوطه شناسایی شده و به واسطه‌ی پراکندگی اندک و عدم شناسایی شواهد تولید آن در محوطه احتمال دارد که وارداتی از مناطق دیگر باشد. تزئین این سفال‌ها شامل اشکال مختلف هندسی و کتیبه‌ی نسخ است (تصویر ۷: نمونه‌های ۱۶، ۱۹ و ۲۰). این سفال‌ها عموماً در سده‌های ۶-۷ ه.ق. در برخی از محوطه‌های ایران تولید شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کاشان و ری اشاره کرد (پوپ و اکرم،

۱۳۸۷، ج. ۴: ۱۸۳۹-۱۸۴۰ و ج. ۹: ۷۳۴-۷۳۵؛ (Watson, 2004: 333 & 339).  
 قطعاتی از این گونه‌ی سفال با تاریخی متأخرتر، یعنی سده‌های ۷-۸ ه.ق. نیز در  
 سطح محوطه به دست آمده است. تمامی این سفال‌ها در دو رنگ سیاه و لاجوردی  
 دیده می‌شوند و از تزئینات مختلف هندسی و گیاهی پهن برگ برخوردارند. کیفیت  
 لعاب آن‌ها پایین است و بیشتر یا بخشی از سطح آن‌ها صدفی شده است (تصویر ۷:  
 نمونه‌های ۱۵، ۱۷، ۲۱ و ۲۲). این سفال‌ها به گونه‌ی «سلطان‌آباد» معروف هستند  
 و در سده‌های ۷-۸ ه.ق. با خمیره‌ی شبه‌چینی یا ژسی تولید شده‌اند (Morgan,  
 1995: 19; Fehervari, 2000: 223). مشابه این سفال‌ها در بسیاری از محوطه‌های  
 این دوره از جمله: غبیرا (Bivar, 2000: 338 & 419, N: c79-802)، حریره‌ی کیش  
 (موسوی، ۱۳۷۶: ۲۲۲)، کاشان (بهرامی، ۱۳۷۱: ۲۰۶)، ارزانفود همدان (زارعی و  
 همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷) و بنای ایلخانی بیستون (کلیس و کالمیر، ۱۳۸۵: ۳۵۳-۵)  
 به دست آمده‌اند. افزون بر این‌ها، تعدادی قطعات سفال نقاشی زیر لعاب دورنگ  
 زمینه‌ی سفید با خمیره‌ی شبه‌چینی نیز در محوطه شناسایی شده که احتمالاً به  
 سده‌های ۸-۹ ه.ق. تعلق دارند (تصویر ۷: نمونه ۱۴ و ۱۸). نمونه‌های هم‌زمان و  
 تقریباً مشابهی نیز از ری به دست آمده است (Treptow, 2007: 38).

گروه دیگری از سفال‌های نقاشی زیر لعاب، دارای خمیره‌ی چینی سفید هستند  
 که به میزان اندک در سطح محوطه پراکنده است و از نوع آبی و سفید تک‌رنگ  
 لاجوردی و دورنگ لاجوردی و فیروزه‌ای هستند (تصویر ۷: نمونه ۲۳ تا ۲۵). این  
 سفال‌ها دهانه‌باز هستند و تزئینات هندسی و گیاهی دارند. این نمونه‌ها، در  
 فاصله‌ی سده‌های ۸ تا ۱۰ ه.ق. در جینگ‌دِزِن چین در دوره‌ی یوآن و مینگ تولید  
 شده‌اند (Barnes et al., 2010: 376). مشابه این سفال‌ها در بسیاری از محوطه‌های  
 کرانه‌ی شمالی خلیج فارس به دست آمده و از گونه‌های نسبتاً شناخته شده در این  
 دوره محسوب می‌شوند (Priestman, 2013: 711, Plate 171).

### گونه‌ی نقاشی روی لعاب

نمونه‌های نقاشی روی لعاب با خمیره‌ی ژسی نخودی یا شبه‌چینی نیز در  
 قلعه‌سنگ شناسایی شده است. این سفال‌ها از گونه‌ی زرین‌فام تک‌رنگ طلایی یا  
 دورنگ طلایی و لاجوردی هستند؛ افزون بر این، تعدادی کاشی زرین‌فام تک‌رنگ  
 نیز در قلعه‌سنگ شناسایی شد. در بررسی محوطه، تنها یک قطعه سفال زرین‌فام  
 اولیه با خمیره‌ی ژسی نخودی به دست آمد که تزئینات طلایی هندسی ساده دارد  
 و دور لبه‌ی آن را یک نوار لاجوردی‌رنگ تزئین کرده است (تصویر ۷: نمونه ۳۴).  
 نمونه‌ی مشابه با این سفال در بلقیس (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴)، جنوب ایران  
 (Priestman, 2013: 563)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۶) و الهولیلای امارات (Kennet,  
 2004: 41) به دست آمده و تاریخ سده‌ی ۴-۵ ه.ق. برای آن‌ها پیشنهاد شده است.  
 اما نزدیک‌ترین مرکز تولید این سفال به قلعه‌سنگ، شهر قدیم جیرفت است؛  
 زیرا به اعتقاد کاوشگر شهر دقیانوس، سفال زرین‌فام در این شهر تولید می‌شده  
 است (چوبک، ۱۳۸۳: ۳۳۲). اما سایر سفال‌های زرین‌فام خمیره‌ی شبه‌چینی

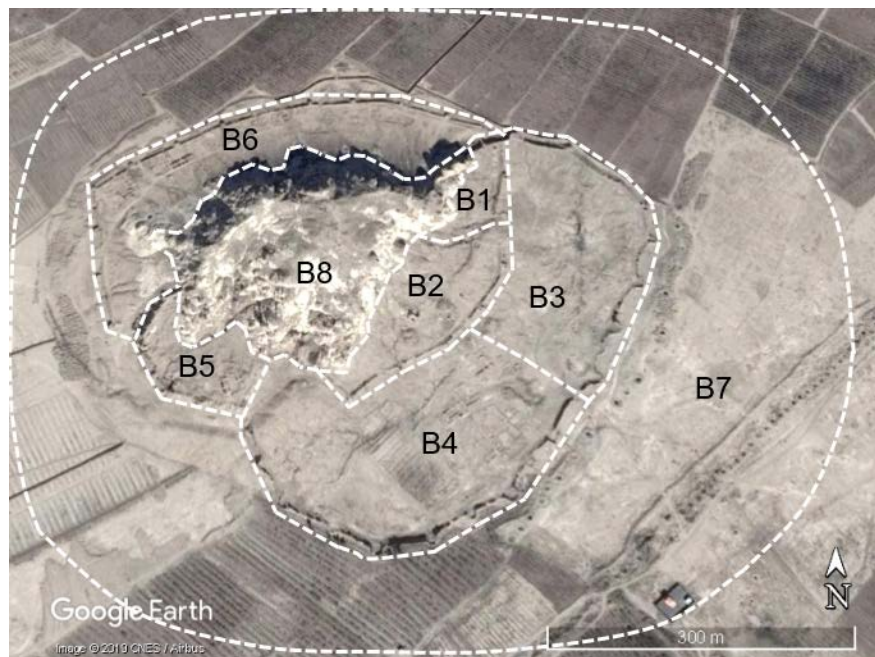
دارند و احتمالاً وارداتی از دیگر مناطق هستند (تصویر ۷: نمونه‌های ۳۵ تا ۳۷).  
براساس شواهد موجود این سفال‌ها در سده‌های ۶-۷ ه.ق. در کاشان، جیرفت و  
جرجان تولید شده‌اند (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۴؛ واتسون، ۱۳۸۲: ۴۸؛ Bahrami, 1988: 81؛  
Kiani, 1984: 49 و Mason, 2004: 123). اما نمونه‌های مشابه، در بسیاری از  
محوطه‌های سده‌ی ۶-۷ ه.ق. به دست آمده که نزدیک‌ترین آن‌ها، محوطه‌های  
حاشیه‌ی خلیج فارس (Priestman, 2013: 700)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۲) و  
غبیرا (Bivar, 2000: 413 - 415) است.

	<p>نقاشی زیر لعاب سفید یا فیروزه‌ای با خمیره رسی</p>
	<p>تزیین سایه نما یا سیلوتو</p>
	<p>نقاشی زیرلعاب فیروزه‌ای با خمیره رسی یا شبه چینی</p>
	<p>نقاشی زیر لعاب سفید با خمیره شبه چینی</p>
	<p>آبی و سفید</p>
	<p>نقاشی روی لعاب زردین فام</p>

تصویر ۷. گونه‌های مختلف سفال لعابدار چندرنگ در قلعه سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).



در تصویر ۸، بخش‌های هشت‌گانه‌ی محوطه‌ی قلعه‌سنگ و جدول ۲، آمار قطعات سفال پراکنده در هر یک از بخش‌های هشت‌گانه ارائه شده است. برپایه‌ی جدول ۳، بیشترین فراوانی گونه‌های سفال قلعه‌سنگ شامل نمونه‌هایی از نوع ساده‌ی بدون لعاب، بدون لعاب با نقش‌کنده، بدون لعاب با نقش ترکیبی، لعابدار تک‌رنگ ساده و نقاشی زیر لعاب است. پراکندگی این نمونه‌ها در بخش‌های B1، B2، B3، B4 و B6 بیش از سایر بخش‌هاست و از نظر آماری، گونه‌ی نقاشی زیرلعاب بیشترین فراوانی را به‌ویژه در بخش‌های B1 و B2 دارد.



► تصویر ۸. بخش‌های هشت‌گانه‌ی محوطه‌ی قلعه‌سنگ که برپایه‌ی عوارض معماری و طبیعی تفکیک شده‌اند (نگارندگان، ۱۳۹۸).

► جدول ۳. فراوانی و توزیع گونه‌های سفال به تفکیک هر بخش (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گونه	بخش B1		بخش B2		بخش B3		بخش B4		بخش B5		بخش B6		بخش B7		بخش B8	
	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه
ساده‌ی بدون لعاب	۱۰	۲۴	۲۱	۶۷	۷	۳۱	۳	۲۲	۹	۶۶	۶	۲۲	۰	۱۲	۰	۱۴
منقوش بدون لعاب	۱۲	۳۶	۲۵	۷۱	۲	۲۶	۳	۱۲	۲	۲۰	۸	۴۴	۰	۸	۰	۶
	۱	۱	۱	۸	۰	۱	۱	۳	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۱
	۰	۰	۱	۳	۰	۷	۰	۵	۰	۰	۱	۸	۰	۳	۰	۰
	۰	۰	۰	۷	۴	۷	۲	۳	۰	۱	۳	۳	۰	۳	۰	۱
	۸	۲۲	۲۰	۷۳	۹	۲۵	۳	۳	۱	۲	۱	۴	۰	۱	۰	۰
	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
لعابدار تک‌رنگ	۱۴	۲۳	۱۶	۴۱	۵	۱۷	۷	۲۲	۳	۸	۸	۱۹	۰	۹	۰	۳
	۵	۱۳	۴	۶	۲	۴	۴	۱۲	۱	۳	۰	۱۵	۰	۴	۰	۱
لعابدار چندرنگ	۲۷	۷۴	۴۶	۱۰۴	۲۷	۶۹	۲۰	۶۵	۸	۱۷	۱۹	۵۱	۲	۱۴	۱۱	۲۳
	۲	۲	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۰	۰	۰	۰	۲

### ب) برهم‌کنش‌های فرهنگی با دیگر محوطه‌های اسلامی

تبیین پیوندها و برهم‌کنش‌های فرهنگی جوامع، نیازمند مقایسه‌ی عناصر و مؤلفه‌های زیادی است، اما «سفال به‌عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره‌ی انسان، بیانگر روابط جوامع مختلف است و چگونگی برهم‌کنش میان جوامع را روشن

می‌نماید» (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۸). از سوی دیگر، وجود شباهت میان سفال سرزمین‌های اسلامی، بیانگر گسترش گونه‌های سفال رسمی و استاندارد هم چون نقش‌کننده زیرلعاب تک‌رنگ، قالب زده، آبی‌وسفید... است که در مراکز خاص تولید و به مناطق دیگر صادر می‌شدند یا در کارگاه‌های محلی با کیفیتی نازل‌تر تقلید و ساخته می‌شدند (همان: ۱۶۹)؛ بنابراین «تقلید گونه‌های سفال و تولید آن‌ها با کیفیتی پایین‌تر» یا «جابه‌جایی سفال‌ها در پی صادرات» از روابط فرهنگی و اقتصادی میان جوامع حکایت دارد. هم‌چنین، جابه‌جایی برخی گونه‌های سفال فاخر در قالب هدایا نیز بیانگر روابط سیاسی جوامع است (امیرحاجلو و سقایی، ۱۳۹۷، ۲۱۶)؛ بنابراین، مقایسه‌ی سفال قلعه‌سنگ با نواحی دیگر امکان ترسیم چشم‌اندازی از روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهر قدیم سیرجان را فراهم می‌سازد.

افزون بر این، روابط فرهنگی میان دو یا چند جامعه، ناشی از موقعیت جغرافیایی و راه‌های ارتباطی است. همان‌گونه که وجود راه‌های ارتباطی به توزیع و گسترش سنت‌های هنری و فرهنگی می‌انجامد، پراکندگی گونه‌های سفال در حوزه‌های جغرافیایی واقع بر مسیرهای ارتباطی، می‌تواند بیانگر وجود رابطه‌ی میان آن حوزه‌ها باشد (امیرحاجلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۱۶). بنابراین باید دلایل تشابه گونه‌های سفال سیرجان با نواحی دیگر را در موقعیت و نقش آن در شاهراه ارتباطی جنوب ایران جست. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اولاً سیرجان از سده‌ی ۶ تا ۹ ه.ق. بخشی از زنجیره‌ی روابط بازرگانی پس‌کرانه‌های خلیج فارس محسوب می‌شده است؛ ثانیاً مسیر ارتباط زمینی از هندوستان، سیستان و بلوچستان، جنوب و شرق ایران به سمت مکه، مرکز خلافت عباسی (تا سده‌ی هفتم هجری قمری) و شهرهای مهم بین‌النهرین (تا سده‌های متأخر اسلامی) از سیرجان می‌گذشته است. بنابراین، سیرجان یکی از چهارراه‌های ارتباطی مهم جنوب-شمال و شرق-غرب ایران بود و همسانی مواد فرهنگی سیرجان با نواحی دیگر ناشی از موقعیت مکانی آن در زنجیره‌ی ارتباطات سیاسی و فرهنگی و مبادلات تجاری نیمه‌ی جنوبی کشور بوده است. براساس آن چه در بخش طبقه‌بندی و گاهنگاری نمونه‌های سفال گفته شد، محوطه‌ها و مراکزی که گونه‌های سفال مشابه با قلعه‌سنگ از آن‌ها یافت شده و ارتباطات فرهنگی با سیرجان داشته‌اند شامل: «جیرفت، غبیرا، کاشان، ری، فراهان در مسیر ارتباطی جنوب به مرکز ایران»، «جرجان، نیشابور، بلقیس اسفراین و لشکری بازار افغانستان در مسیر جنوب به شمال شرق» و «محوطه‌های حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای عمان» هستند؛ هم‌چنین به دلیل ارتباط دریایی میان سیرجان و المتاف، کوش و الهولیلایه در رأس‌الخیمه امارات، شباهت‌هایی میان گونه‌های سفال سیرجان و نواحی فوق وجود دارد. تعدادی از نمونه‌ها نیز در دوره‌های یوان و مینگ از چین وارد شده‌اند.

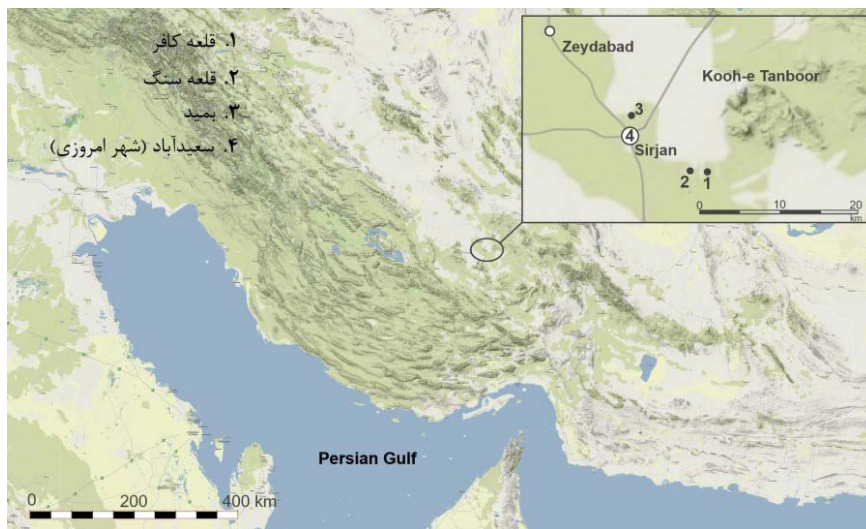
### ج) تطبیق داده‌های سفال با توصیفات متون تاریخی؛ تبیین اوج و فرود حیات قلعه‌سنگ

برپایه‌ی منابع صدراسلام، سیرجان در سده‌ی سوم هجری قمری حاکم‌نشین

ولایت کرمان (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۸-۴۰)، بزرگ‌ترین شهر کرمان، شهری استوار و باشکوه (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۶۲) و مشهورترین شهر کرمان (اصطخری، ۱۳۷۲: ۱۶۱) بوده است. در سده‌ی چهارم هجری قمری، سیرجان مرکز کرمان و از شیراز پهناورتر بوده و در میان ولایات پنج‌گانه‌ی کرمان<sup>۴</sup>، بزرگ‌ترین و آبادترین (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۸۳؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۱) و معروف‌ترین شهر (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۳ و ۷۷) و جایگاه پادشاهان (حدودالعالم، ۱۳۸۳: ۳۶۷) بود.

داده‌های باستان‌شناسی شهر صدر اسلامی سیرجان نیز مؤید اهمیت این شهر تا سده‌ی چهارم هجری قمری است. با این‌همه، نام سیرجان در منابع سده‌ی پنجم هجری قمری کمتر بیان شده است؛ زیرا از سده‌ی ۴ هجری قمری با انتقال مرکز ایالت کرمان به شهر امروزی کرمان (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۲۳) و رونق یافتن راه ارتباطی هرمز-جیرفت-کرمان، از رونق و اهمیت سیرجان کاسته شد. در سده‌ی شش هجری قمری سیرجان دوباره مورد توجه نویسندگان قرار گرفت. «افضل‌الدین کرمانی»، برای نخستین بار استحکام و رفعت قلعه‌سنگ را توصیف کرده و به بازسازی‌های آن در عهد «ملک ارسلان سلجوقی» و معمور بودن آن در زمان حیات خود اشاره کرده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۴۲۶). «یاقوت حموی» در سده‌ی هفت هجری قمری، سیرجان را دومین شهر مهم کرمان دانسته (حموی، ۱۹۹۰: ۲۹۶) و «ناصرالدین منشی کرمانی» در اواخر همین سده و اوایل سده‌ی هشتم از آبادانی قلعه‌سنگ یاد کرده است. به گفته‌ی وی، اهل سیاحت و ارباب تصوف، سیرجان را «شام کوچک» می‌خواندند (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۸۴-۸۵). در دوره‌ی آل مظفر، قلعه‌سنگ مکان رویدادهای زیادی بود و مؤرخان، رویدادهای زمان حکومت «مولانا شمس‌الدین صابین قاضی» و پسرش «عمیدالملک» بر سیرجان (وزیری، ۱۳۴۰: ۱۸۶-۱۸۷؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۲۸۱)، تسلط «امیر مبارزالدین محمد آل مظفر» بر سیرجان (کتبی، ۱۳۳۵: ۴۴) و حکومت «پهلوان دارکی» در سیرجان (خواندمیر، ج ۳، ۱۳۳۳: ۲۸۲) را به‌طور کامل گزارش کرده‌اند. در همین زمان، «حمدالله مستوفی» نیز به قلعه‌ی مستحکم سیرجان (قلعه‌سنگ) اشاره کرده است (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). با وجود این، منابع پس از آل مظفر دوباره درباره‌ی سیرجان ساکت مانده‌اند؛ زیرا قلعه‌سنگ در اواخر سده‌ی هشتم هجری قمری به مدت دو سال در محاصره‌ی «امیر تیمور» بود و سرانجام در سال ۷۹۸ هجری قمری، فتح و ویران شد (یزدی، ۱۳۳۶: ۵۵۹؛ لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۲۴-۳۲۳). اما ظاهراً تا نخستین سال‌های سده‌ی نهم، به‌طور کامل متروک نشده بود؛ زیرا «شاهرخ تیموری» در ۸۱۹ هجری قمری به دلیل ادعای استقلال «سلطان اویس بن ایدکو»، به قلعه‌سنگ حمله و آن را محاصره کرد (بختیاری، ۱۳۷۸: ۱۰۷)، اما در پی موعظه و نصایح «سید شمس‌الدین»، از محاصره‌ی قلعه منصرف شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ج ۴، صص ۶۰-۶۲). گاهنگاری نسبی سفال‌های قلعه‌سنگ نیز نشان می‌دهد اغلب سفال‌ها به سده‌های ۶ تا ۹ هجری قمری تعلق دارند و گونه‌های لعابدار تک‌رنگ ساده، لعابدار تک‌رنگ منقوش (نقش‌کنده، افزوده یا تراشی زیر لعاب)، نقاشی زیر لعاب، نقاشی روی لعاب (زرین‌فام) و آبی‌وسفید در این زمان در قلعه‌سنگ رایج بوده‌اند.

با این همه، ظاهراً چندی پس از این، شهر سیرجان به محل جدید «باغ‌بمید» در شمال غربی شهر امروزی سیرجان منتقل شد. در همین ارتباط «حافظ ابرو» به انتقال شهر از قلعه سنگ به «همید» اشاره کرده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، جلد ۳: ۱۹۳). در دوره‌ی قاجار، شهر برای آخرین بار جابه‌جا شد. «احمدعلی‌خان وزیری» (۱۳۷۶: ۲۵۸) به شکل‌گیری هسته‌ی مرکزی شهر سیرجان در محلی به نام «سعیدآباد» در دوره‌ی قاجار اشاره کرده است. مراحل جابه‌جایی شهر سیرجان در نقشه ۲ نشان داده شده است.



نقشه ۲. موقعیت شهر سیرجان از صدر اسلام تاکنون و جابه‌جایی‌های آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

بنابراین، برپایه‌ی منابع مکتوب، سیرجان از صدر اسلام تا سده‌ی چهارم در اوج گستردگی بود و پس از وقفه‌ای در سده‌ی پنجم هجری قمری، رونق خود را دوباره در سده‌ی ششم هجری قمری بازیافت و تا پایان دوره‌ی آل مظفر و اوایل سده‌ی نهم هجری قمری رونق داشت. تقریباً همه‌ی مورخان و جغرافیانویسان سده‌ی ششم به بعد، در توصیف شهر سیرجان، نام «قلعه سنگ» را به کار برده‌اند؛ بنابراین، مکان شهر در دو بازه‌ی زمانی صدر اسلام و سده‌ی ۶ تا ۹ ه.ق. متفاوت بوده و جابه‌جا شده است. داده‌های باستان‌شناسی و گاهنگاری سفال سطحی نیز این جابه‌جایی را از قلعه کافر (در شرق روستای امروزی عزت‌آباد) به قلعه سنگ (در غرب روستای عزت‌آباد) تأیید می‌کنند؛ زیرا براساس یافته‌های کاوش «ویلیامسون»، بیشترین گونه‌های سفال در شهر صدر اسلامی سیرجان (قلعه کافر) مربوط به صدر اسلام تا سده‌ی پنجم هجری قمری است (Morgan & Leatherby, 1987: 52). اما همان‌گونه که اشاره شد، در قلعه سنگ، بیشتر قطعات سفال به‌ویژه گونه‌های لعابدار تک‌رنگ، نقاشی زیر لعاب و زرین‌فام به بازه‌ی زمانی سده‌ی ۶ تا ۹ ه.ق. تعلق دارند و نمونه‌های قبل از سده‌ی ۶ و پس از سده‌ی ۹ ه.ق. کم‌شمارتر هستند. در عین حال، وجود قطعاتی از سفال سده‌های ۴ تا ۶ ه.ق. در قلعه سنگ نیز احتمالاً نشان می‌دهد بخشی از قلعه سنگ در زمان حیات شهر صدر اسلامی سیرجان به عنوان سکونتگاه اقماری یا پناهگاه مورد استفاده قرار گرفته و پس از

آن در سده‌ی ششم، با متروک شدن شهر صدر اسلامی سیرجان، رونق شهر جدید در محل قلعه‌سنگ آغاز شده است.

### د) شواهد تولید سفال در قلعه‌سنگ

سفال تولیدی در هر محوطه‌ی تاریخی به دو دسته‌ی «تولید محلی-سبک محلی» و «تولید محلی-سبک تقلیدی» تقسیم می‌شود؛ اگرچه آزمایش‌های تجزیه‌ی عنصری، مطمئن‌ترین روش برای شناخت تولیدات محلی سفال است، اما «تا زمانی که امکان آزمایش‌های تجزیه‌ی عنصری فراهم نباشد، شناخت تولیدات محلی سفال تنها با بررسی شواهدی مانند سه‌پایه، جوش کوره، قطعات سفال دفرمه‌شده، توپی، قالب‌های منفی یا شواهدی از کوره‌های سفال امکان‌پذیر است» (تصویر ۹)، (امیرحاجلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۲۱).

شناسایی چند قطعه استامپ و قالب منفی سفالی در قلعه‌سنگ نیز نشان می‌دهد سفال‌های قالبی و استامپی که در تعداد اندک در بررسی‌های سطحی قلعه‌سنگ به دست آمده (تصویر ۵)، به میزان محدود در محوطه تولید شده‌اند. هم‌چنین، وجود قطعات سفال با لعاب تک‌رنگ سبز تا فیروزه‌ای و قهوه‌ای و خمیره‌ی رُسی یا شبه‌چینی که ماده‌ی لعاب روی سطح سفال جاری شده و به صورت چگه‌های برجسته درآمده یا دچار لعاب گسیختگی<sup>۵</sup>، سوختگی یا دفرمگی شده‌اند (تصویر ۶) و وجود توپی‌ها و سه‌پایه‌ها نشانگر تولید نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ در همین محوطه است. افزون بر این، به نظر می‌رسد برخی از نمونه‌های سفال نقاشی زیر لعاب با خمیره‌ی رُسی در قلعه‌سنگ تولید می‌شدند (تصویر ۷). شمار فراوان تر این گونه‌ی سفال نسبت به سایر گونه‌ها در قلعه‌سنگ، کیفیت ساخت و تزئین نسبتاً ضعیف‌تر در مقایسه با نمونه‌های نواحی دیگر و نمونه‌های دفرمه‌شده از جمله دلایلی هستند که تولید احتمالی این گونه‌ی سفال را در قلعه‌سنگ نشان می‌دهند. بر این اساس به نظر می‌رسد اغلب نمونه‌های سفال تولیدی در قلعه‌سنگ از نوع «تولید محلی-سبک تقلیدی» هستند؛ چنان‌که برخی نمونه‌های بدون لعاب با تزئین استامپی و قالبی، نقاشی زیرلعاب با خمیره‌ی رُسی، لعابدار تک‌رنگ رُسی و شبه‌چینی در کارگاه‌های سفالگری سیرجان تولید شده‌اند، اما براساس شباهت میان تزئینات نمونه‌های منقوش با نمونه‌های نواحی دیگر به دلیل تقلیدی بودن، نمی‌توان آن‌ها را دارای سبک محلی دانست؛ یعنی، اگرچه در سیرجان تولید شده‌اند، نقش و طرح آن‌ها تقلیدی از نمونه‌های سفال فاخر نواحی دیگر به‌ویژه سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس است.

### نتیجه‌گیری

سفال قلعه‌سنگ به چهار گونه‌ی اصلی «ساده‌ی بدون لعاب»، «منقوش بدون لعاب»، «لعابدار تک‌رنگ» و «لعابدار چندرنگ» تقسیم می‌شود. تزئین نمونه‌های منقوش بدون لعاب شامل نقش کنده، فشاری، افزوده یا برجسته، استامپی، قالبی و مشبک دوپوششی است. سفال لعابدار تک‌رنگ ساده با لعاب سفید، فیروزه‌ای



▲ تصویر ۹. نمونه‌هایی از شواهد تولید سفال مثل توپی و سه‌پایه در قلعه‌سنگ (نگارندگان، ۱۳۹۷).

روشن تا تیره، سبز روشن تا تیره، لاجوردی، بادمجانی و قهوه‌ای روشن تا تیره پوشیده شده و دارای خمیره‌ی رُسی، شبه‌چینی یا چینی هستند. برخی از نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ منقوش، خمیره‌ی رُسی و لعاب سفید تا فیروزه‌ای و سبز روشن تا تیره و نقش قالبی و افزوده‌ی طنابی زیر لعاب دارند؛ اما اغلب نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ منقوش خمیره شبه‌چینی، با لعاب فیروزه‌ای و نقش قالبی تزئین شده‌اند. هم‌چنین، لعاب نمونه‌های سلادن منقوش، سبز مایل به سفید، سبز تیره، سبز روشن یا زیتونی و سبز مایل به زرد و نقوش کنده، خیاره‌ای، استامپی، قالبی با نقش ماهی و گل صد تومانی است.

گونه‌ی سفال لعابدار چندرنگ قلعه‌سنگ شامل دو گونه‌ی فرعی «نقاشی زیر لعاب» و «نقاشی روی لعاب» است. سفال‌های نقاشی زیر لعاب دارای خمیره‌ی نخودی، شبه‌چینی و چینی هستند و اغلب با زمینه‌ی سفید یا فیروزه‌ای یا سبز تیره پوشیده شده‌اند. تزئین این گونه‌ی سفال شامل: نقاشی تک‌رنگ و دورنگ و سه‌رنگ، سایه‌نما، آبی‌وسفید و سلطان‌آباد است. نمونه‌های نقاشی روی لعاب (زَژین فام) نیز دارای خمیره‌ی رُسی یا شبه‌چینی و تزئین تک‌رنگ طلائی یا دورنگ طلائی و لاجوردی هستند.

برپایه‌ی مقایسه‌ی گونه‌شناختی، نمونه‌های سفال قلعه‌سنگ با نمونه‌های جیرفت، غبیرا، کاشان، ری، فراهان، جرجان، نیشابور، بلقیس اسفراین، شمال خلیج فارس، المتاف، کوش و الهولیلایه در رأس‌الخیمه‌ی امارات قابل مقایسه هستند. برخی قطعات نیز احتمالاً از آذربایجان و افغانستان وارد شده‌اند. نمونه‌های سلادن و برخی قطعات آبی‌وسفید به‌عنوان نمونه‌های وارداتی از چین شناخته می‌شوند و اغلب به دوره‌ی یوان و شمار اندکی به دوره‌ی مینگ تعلق دارند.

هم‌چنین، گاهنگاری نسبی و مقایسه‌ای سفال حاصل از کاوش و بررسی قلعه‌سنگ نشان می‌دهد اغلب قطعات سفال به سده‌ی ششم تا نهم هجری قمری تعلق دارند. مطالعه‌ی منابع مکتوب نیز نشان می‌دهد سیرجان در این زمان، اهمیت زیادی داشت و با توجه به ناامنی شاهراه «هرمز-جیرفت» به مرکز ایران از سده‌ی ششم و هفتم هجری قمری، شاهراه «خلیج فارس-سیرجان-مرکز ایران» به مسیر اصلی بازرگانان تبدیل شد و در پی آن، شهر سیرجان در محل قلعه‌سنگ توسعه یافت.

نتایج پژوهش درباره‌ی تولیدات محلی یا وارداتی در قلعه‌سنگ نشان می‌دهد برخی از گونه‌های سفال مانند نمونه‌های بدون لعاب با تزئین استامپی و قالبی، نقاشی زیرلعاب با خمیره‌ی رُسی، لعابدار تک‌رنگ رُسی و شبه‌چینی در قلعه‌سنگ تولید شده‌اند. سه پایه‌ها، توپی‌ها، استامپی، قالب منفی، جوش کوره، سفال دفرمه و سفال‌های لعابدار با لعاب بی‌کیفیت (لعاب گسیختگی و لعاب چگه‌ای) از شواهد مرتبط با تولید محلی در قلعه‌سنگ هستند.

## پی‌نوشت

۱. کاوش قلعه‌سنگ سیرجان پیرو مجوز شماره‌ی ۹۴۳۱۴۱/۰۰/۳۱۷۳ تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۲ از سوی پژوهشکده‌ی

باستان‌شناسی، از محل اعتبارات شرکت صنعتی و معدنی گل‌گهر سیرجان به سرپرستی نگارنده‌ی اول و معاونت نگارنده‌ی دوم صورت‌گرفته و داده‌های این مقاله، حاصل آن طرح است.

۲. هسته‌ی مرکزی شهرامروزی سیرجان.

۳. کتاب مورگان و لدربی درباره سفال شهر قدیم سیرجان از این قاعده مستثنی است (Morgan & Leatherby, 1987): اما پژوهش ایشان بر سفال‌های قلعه‌کافر (شهر صدراسلامی سیرجان) تمرکز دارد و سفال سده‌ی ۶ تا ۹ ه.ق. در قلعه‌سنگ در آن مورد توجه نبوده است.

۴. بردسیر، بم، سیرجان، جیرفت و نماشیر (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱).

۵. لعاب گسیختگی: نایک‌نواخت بودن لعاب روی سطح خمیره، تکه‌تکه شدن لعاب بعد از پخت و دیده شدن بخش‌هایی از خمیره‌ی سفال از درون حفره‌ها و ترک‌های لعاب..

## کتابنامه

- ابن حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورةالارض). ترجمه و تصحیح: جعفرشعار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ۱۳۷۰، المسالك و الممالک. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: مهارت.
- ابوالفدا، ۱۳۴۹، تقویم البلدان. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ۱۳۷۲، المسالك و الممالک. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: موقوفات محمود افشار.
- افضل‌کرمانی، ابوحامد، ۱۳۲۶، تاریخ افضل (بدایع الزمان فی وقایع کرمان). به‌کوشش: مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- امیرحاجلو، سعید، سقایی، سارا، ۱۳۹۷، «گسترش و تنوع گونه‌های سفال دوران اسلامی در سکونت‌های دشت نماشیر کرمان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱۹، صص: ۲۰۷-۲۲۶.
- امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۴، «گزارش کاوش پیگردی و خواناسازی شواهد معماری قلعه‌سنگ شهر قدیم سیرجان». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان (منتشر نشده).
- امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۳، «تبیین نقش متغیرهای بوم‌شناسی در حیات شهر اسلامی جیرفت». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۷، صص: ۱۷۵-۱۹۴.
- بختیاری، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، سیرجان در آئینه زمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- بهرامی، مهدی، ۱۳۷۱، «همیاری در جهت مطالعه سرامیک ایران در دوران اسلامی»، آثار ایران، آندره گدار و دیگران، ج. ۱-۲، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، صص: ۱۸۹-۲۰۹.
- پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیپ، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز. ترجمه‌ی نجف‌دریابندری و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.
- جیهانی، ابوالقاسم ابن احمد، ۱۳۶۸، اشکال العالم. ترجمه‌ی علی بن عبدالسلام کاتب، تهران: به‌نشر.
- چوپک، حمیده، ۱۳۸۳، «تسلسل فرهنگی جازموریان. شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی»، رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، به‌راهنمایی: محمدیوسف کیانی، (منتشر نشده).

- چوبک، حمیده، ۱۳۹۱، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت». مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، صص: ۸۳-۱۱۲.
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی. کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۴، «بررسی تحلیلی باستان‌شناسی سیرجان قدیم از اوایل اسلام تا دوره تیموری». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، به‌راهنمایی: سوسن بیانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۳، «گزارش ادامه بررسی و گمانه‌زنی شهر قدیم سیرجان (تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آن)». آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۲، «بررسی، گمانه‌زنی و تعیین حریم سیرجان قدیم». آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۸۰، زبدة‌التواریخ. تصحیح: کمال حاج‌سیدجوادی، جلد ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۸، جغرافیای حافظ‌ابرو. تصحیح: علی آل‌داوود و محمدصادق سجادی، جلد ۳، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حموی، یاقوت، ۱۹۹۵، معجم البلدان. بیروت: دارصادر.
- خدادوست، جواد؛ موسوی‌حاجی، سیدرسول؛ نقوی، عابد؛ و پورعلی‌یاری گوکی، شهین، ۱۳۹۶، «بررسی و مطالعه تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین؛ شهرستان باخزر (خراسان رضوی)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱۳، صص: ۱۵۷-۱۷۲.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی، ۱۳۳۳، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. تهران: کتابخانه خیام.
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه‌ی سفال‌های دوره‌ی ایلخانی به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، صص: ۷۳-۹۰.
- سایکس، ژنرال سرپرسی، ۱۳۳۶، سفرنامه یاده هزار مایل در ایران. ترجمه‌ی حسین سعادت‌نوری، تهران: ابن‌سینا.
- صورالاقالیم، ۱۳۵۳، به‌تصحیح و تحشیه: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان. ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کتبی، محمود، ۱۳۳۵، تاریخ آل‌مظفر. به‌اهتمام و تحشیه: عبدالحسین نوایی، تهران: ابن‌سینا و چاپخانه تابش.
- کلایس، ولفرام؛ و کالمایر، پیتر، ۱۳۸۵، بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳. برگردان: فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.



- گیبونز، ریچارد، ۱۳۹۵، سفرنامه ریچارد گیبونز. ترجمه‌ی امید شریفی، تهران: ایران‌شناسی.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد ۱۳۹۵، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد بهار همدان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره‌ی ۱۱، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۸۸، نزهة القلوب. تصحیح: محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، قزوین: حدیث امروز.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۵، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم. ترجمه‌ی علینقی منزوی، چاپ دوم، تهران: کومش.
- منشی‌کرمانی، ناصرالدین، ۱۳۲۸، سمط العلی للحضرة العلیا. تهران: اقبال.
- موسوی، محمود، ۱۳۷۶، «کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر حریره کیش». گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۲۰۵-۲۳۸.
- مهجور، فیروز؛ ابراهیمی‌نیا، محمد؛ و صدیقیان، حسین، ۱۳۹۰، «بررسی باستان‌شناسی سفال‌های دوره‌ی اسلامی محوطه‌ی باستانی نجیر خانلق ری». مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۲، صص: ۱۷۳-۱۹۲.
- مهجور، فیروز؛ و صدیقیان، حسین، ۱۳۸۸، «بررسی باستان‌شناسی سفال‌های اسلامی محوطه مشکین‌تپه استان مرکزی». پیام باستان‌شناس، شماره‌ی ۱۲، صص: ۱۰۵-۱۲۰.
- نعمتی، محمدرضا؛ صدیقیان، حسین؛ و ابراهیمی‌نیا، محمد، ۱۳۹۱، «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه‌ی ذلف‌آباد فراهان، استان مرکزی (فصل اول کاوش)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۱۲۵-۱۳۸.
- واتسون، آلیور، ۱۳۸۲، سفال زرین فام ایرانی. ترجمه‌ی شکوه‌ذاکری، تهران: سروش.
- ورجاوند، پرویز، ۱۳۵۱، «قلعه سنگ سیرجان و آتشدان سنگی آن». بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی ۴۰، صص: ۱۰۱ تا ۱۳۲.
- وزیری، احمدعلی‌خان، ۱۳۴۰، تاریخ کرمان (سالاریه). تصحیح: باستانی‌پاریزی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.
- یزدی، مولانا شرف‌الدین علی، ۱۳۳۶، ظفرنامه. تصحیح: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ۱۳۴۲، البلدان. ترجمه‌ی محمد آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Bahrami, M., 1988, *Gurgan Faiences*. Mazda publisher.
- Barents, L.; Ding, P., Li, J.; Quan, K.; Kanazawa, Y.; Sargent, W. R., Li, Z.; Bower, V. L.; He, L. & Sensabaugh, D. A., 2010, *Chinese Ceramics: From the Paleolithic Period through the Qing Dynasty*. Yale University press.
- Bivar, H., 2000, *Excavations at Ghubayra Iran*. London: School of Oriental & African studies University of London.

- Bivar, H. & Fehervari, G., 1975, "Ghubayra". *Iran*, XIII, Pp: 180-181.
- Danti, M. D., 2004, *The Ilkhanid Heartland: Hasanlou Tepe (Iran) Period I*. Philadelphia: University of Pennsylvania Museum of archaeology and anthropology.
- Fehervari, G., 2000, *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*. London: I.B. Tauris publisher.
- Kennet, D., 2002, "Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia". *Iran*, Vol XL, Pp: 153 – 162.
- Kennet, D., 2004, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (eBook version)*. Oxford, Archaeopress.
- Kiani, M. Y., 1984, "The Islamic city of Gurgan". *AMI*, Bond 11.
- Mason, R., 2004, *Shine like the Sun: Lustre Painted & Associated Pottery from the Medieval Middle East*. Mazda publisher.
- Morgan, P., 1991, "New Thoughts on old Hormuz". *Iran*, Vol. XXIX, Pp: 67-74.
- Morgan, P., 1995, "Some Far Eastern Elements in Colored – Ground Sultanabad Wares". *Islamic art in the Ashmolean Museum*, Part two, Berlin, Oxford university press, Pp: 19-44.
- Morgan, P., & Leatherby, J., 1987, "Excavated Ceramics from Sirjan". *Syria and Iran*, Tree Studies in Medieval Ceramics, Edited by James Allan and Caroline Roberts, Oxford Studies in Islamic Art IV, University of Oxford, Pp: 23-172.
- Priestman, S. M. N., 2005, "Settlement and Ceramics in Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection". Ph.D. Theses, Durham University. Available at Durham. E-Theses Online: <http://etheses.dur.ac.uk/2745/>
- Priestman, S. M. N., 2013. "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean". Ph.D. Thesis, University of Southampton.
- Treptow, T., 2007, *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*. Chicago, The oriental institute museum of the University of Chicago.
- Walenstain, S. G., 1989, *A Handbook of Chinese Ceramics*. New York, the Metropolitan museum of art.
- Watson, O., 2004, *Ceramics from Islamic Lands*. Thames & Hudson press.
- Wilkinson, C. K., 1973, *Nishapur Pottery of the Early Islamic Period*. the Metropolitan Museum of Art.
- Williamson, A., 1987, "Regional Distribution of Medieval Persian Pottery in Light of Recent Investigations". *Syria and Iran: Three studies in medieval ceramics*, University of Oxford Press, Pp: 11-22.
- Whitehouse, D. & Williamson, A., 1973, "Sasanian Maritime Trade", *Iran*, XI, Pp: 29-50.